



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حدیث اول: از پیغمبر اکرم محمد مصطفی صلوات الله علیه و آله و سلم نقل شده: "إذا ظهرت البدع في امتي فليظهر العالم علمه فمن لم يفعل له لعنة الله" (اصول کافی جلد ۱ صفحه ۵۴، وسائل الشیعة ۲۰ جلدی جلد ۱۱ صفحه ۵۱۰).

حدیث دوم: از پیغمبر صلوات الله علیه و آله و سلم: "من كان عنده علم فكنمه أجمه الله يوم القيامة بلجام من نار" (بخار الانوار جلد ۲ صفحه ۶۰).

بمختمان در کلام استاد شهید مطهری در مورد عرفان و تصوف بود نه تنها ایشان بلکه در بسیاری از کتب ما صوفیه نفوذ پیدا کرده اند و خودشان را به عنوان عارف و قطب و ولی خدا جا زده اند، راه بسیار روشن است و ما معتقدیم سرپرست و امام و رهبر و مدیریت جامعه فقط از جانب خداوند متعال است زیرا خود خداوند اول ولی و مدیر و مدبر است و کرامت انسان ها اقتضاء می کند که مدیر و امام و ولی جامعه نیز از طرف خداوند معین بشود اما فرقه صوفیه با جنگ نرم پیش آمده و خیلی هم موثر بوده، امام صادق علیه السلام فرمودند "انهم أعدائنا" و فرمودند کسی که بشنود و سکوت کند و جهاد نکند مثل همان هاست و کسی که جهاد کند مثل شهداء بدر می باشد خلاصه ائمه علیهم السلام به شدت با اینها برخورد کرده اند.

آیت الله مطهری اعلی الله مقامه در کلامشان از کتاب تذکرة الاولیاء شیخ عطار نام می برد، تذکرة الاولیاء دو جلد است در جلد اول ۴۰ نفر و در جلد دوم ۵۷ نفر و کلاً ۹۷ نفر از سران و اقطاب صوفیه را ذکر کرده اما اگر کسی دقت کند اصل کتاب یک تزویر و دامی در مقابل شیعه و ائمه علیهم السلام می باشد، برای گمراهی و مغالطه در ابتدای جلد اول امام صادق علیه السلام و در آخر جلد دوم حضرت باقر علیه السلام را ذکر کرده و می خواهد بگوید این دو امام علیهما السلام نیز مثل اقطاب صوفیه هستند البته این دو امام علیهما

السلام را خیلی گمراشتگی معرفی کرده و مطلب خاصی هم در مورد ایشان ننوشتند اما وقتی مثلاً به بایزید بسطامی رسیده مطالب و کرامات فراوانی برای او ذکر کرده.

چند اشکال در کتاب تذکرة الاولیاء وجود دارد:

اول ساختن ولی و امام و قطب.

دوم برای گمراهی و مغالطه نامی از امام صادق و امام باقر علیهما السلام برده که در مقایسه با بقیه افراد بسیار کم رنگ می باشد.

سوم ما اگر چیزی از پیغمبر و ائمه علیهم السلام نقل می کنیم مستدل و برهانی هستند خود قرآن ابتدا به ۱۱۴ سوره و بعد به ۱۰ سوره و بعد به یک سوره تحدی شده است و مرتب و منظم مطالب بیان شده و احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز به همین ترتیب می باشند و قبلاً خواندیم که امام صادق علیه السلام فرمودند: "حدیثی حدیث ابی و حدیث ابی حدیث جدی و حدیث جدی حدیث الحسین و حدیث الحسین حدیث الحسن و حدیث الحسن حدیث امیرالمومنین و حدیث امیرالمومنین حدیث رسول الله و حدیث رسول الله قول الله عز و جل" بالاخره تمام اینها به خدا می رسد و در مورد صحتشان نیز ما علم رجال و درایه داریم با سنجیدن و دقت تمام این احادیث بررسی می شوند خلاصه اینکه از این طریق راه ما بسیار روشن شده است و حتی اولی الامر نیز در کلام پیغمبر صلوات الله علیه و آله و سلم دقیق و مرتب ذکر شده اند که همان ائمه علیهم السلام می باشند و مطلب بسیار روشن است و اصلاً ابهامی ندارد اما صوفیه ائمه را رها کرده و به سراغ اقطاب خودشان رفته اند البته بیشتر کراماتشان در خواب است مثلاً می گویند خدا را در خواب دیدم! همان طور که در بیداری نمی توان خدا را دید در خواب نیز نمی توان دید زیرا چشم ما اجسام را می بیند و خدا جسم نیست و هر جسمی مرکب است خدا مرکب نیست و هر جسمی محتاج به مکانی دارد خدا مکان ندارد و هر جسمی حادث است خدا حادث نیست بنابراین خدا را در خواب دیدن اصلاً معنی ندارد ولی در کلمات صوفیه زیاد ذکر شده که خدا را در خواب دیده اند خلاصه بدون مدرک و دلیل مطالب باطلی ذکر کرده اند و همچنین کرامات و معجزاتی برای خودشان ذکر کرده اند.

آن شهر به او است نیز درک کرده است . عطار مقارن فتنه مغول درگذشت و به قولی به دست مغولان در حدود سالهای ۶۲۶ - ۶۲۸ کشته شد."

کتاب دیگری که وقتی به شیخ عطار می رسند تعریف و تمجید می کنند "ریحانة الأدب" و "روضات الجنات" هستند و عجیب این است که صوفیه با این همه انحراف در کتب ما رخنه کرده اند!

برای نمونه تعاریف عطار از شیخ ابوبکر شبلی را می خوانیم تا ببینید با چه عباراتی از هم تعریف می کنند:

"آن غرق بحر دولت آن برق ابر عزت آن گردن شکن مدعیان آن سرافراز منقبیان آن پرتو از عالم حسی و عقلی شیخ وقت ابوبکر شبلی رحمة الله علیه ازکبار و اجله مشایخ بود و از معتبران و محتشمان طریقت و سید قوم و امام اهل تصوف و وحید عصر و بحال و علم ب ی همتا و نکت و اشارات و رموز و عبارات و ریاضات و کرامات او بیش از آنست که در حد حصر و احصاء آید جمله مشایخ عصر را دیده بود و در علوم طریقت یگانه و احادیث بسی نوشته بود و شنوده و فقیه به مذهب مالک و مالکی مذهب و حجتی بود بر خلق خدء...الی آخر" نزدیک به ۱۵ صفحه با همین عبارات از شیخ شبلی تعریف کرده.

یکی از کتابهایی که بسیار دقیق و عالی در نقد و رد صوفیه نوشته شده و حتما باید مطالعه کنید کتاب "حديقة الشیعة" مقدس اردبیلی رحمة الله علیه می باشد که تمام فرق آنها با تفکرات و انحرافاتشان را ذکر کرده و یکی از مطالب خوبی که دارد این است که مقدس اردبیلی می فرماید هر وقت ما از بایزید بسطامی انتقاد می کنیم آنها می گویند بایزید دو تاست و آنکه شما می گوئید بد بوده! ولی مقدس اردبیلی می فرماید بیخود و دروغ می گویند هر وقت ما یک نفر از آنها را مورد نقد قرار می دهیم و انحرافاتش را بیان می کنیم می گویند دو نفر بوده اند و اینکه شما می گوئید بد است! آگاه باشید که برای فریب دیگران اینطور می گویند، خلاصه باید تفکرات و انحرافات صوفی ها را مطالعه و بررسی کرد و مطلب در مورد شبلی نیز زیاد است.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
محمد و آله الطاهیرین

چهارم آن مزایا و مقامات و کراماتی که برای ائمه علیهم السلام قائلیم مثل اخبار از غیب و طی الارض و زنده کردن مردگان و تسلط بر حیوانات و امثال ذلک را تماماً بلکه بالاتر از اینها را برای اقطاب خودشان ذکر کرده اند.

پنجم عبادتهای من درآوردی، مثلاً می گویند شبها رفتی و بر در چاه چیز گذاشتی و خودش را به کله آویزان کردی و آنقدر الله الله گفتی تا از بینی و صورت و چشمش اشک و خون جاری شدی و چندین سال این کار را کردی تا فلان شدی، خب اینها باطل است زیرا عبادت راه دارد.

ششم وقتی کلمات و مواعظ و نصیحتهای آنان را ذکر می کند اگر کسی حافظه خوب و قوی داشته باشد می بیند که همان روایات اهل بیت علیهم السلام را سرقت کرده و بنام خودشان بیان می کنند و بنده چون با اخبار آشنا هستم تتبع کردم و همان اخبار را در بحار و کافی و دیگر کتب پیدا کردم خلاصه تذکرة الاولیاء عطار یک کتاب انحرافی به این ترتیب که ذکر شد است منتهی آیت الله مطهری رحمة الله علیه از این کتاب تعریف می کند و رد می شود، کلام ایشان این است:

" ب . شیخ فریدالدین عطار . از اکابر درجه اول عرفا است . در نفر و نظم تألیف دارد " تذکرة الاولیاء " او که در شرح حال عرفا و متصوفه است و از امام صادق علیه السلام آغاز می کند و به امام باقر علیه السلام ختم می نماید از جمله ماخذ و مدارک محسوب می شود و شرفشناسان اهمیت فراوان به آن می دهند . همچنین کتاب "منطق الطیر" او یک شاهکار عرفانی است . مولوی درباره او و سنائی گفته است :

عطار روح بود و سنائی دو چشم او

ما از پی سنائی و عطار می رویم

و هم او گفته است :

هفت شهر عشق را عطار گشت

ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم

مقصود مولوی از هفت شهر عشق هفت ودایی است که خود عطار در " منطق الطیر " شرح داده است . محمود شبستری در گلشن راز می گوید :

مرا از شاعری خود عار ناید

که در صد قرن چون عطار ناید

عطار شاگرد و مرید شیخ مجدالدین بغدادی از مریدان و شاگردان شیخ نجم الدین کبرا بوده است . و همچنین صحبت قطب الدین حیدر را که او نیز از مشایخ این عصر است و در تربیت حیدریه مدفون است و انتساب